



تحلیل اثر سیاست مالی (مالیات بر مجموع درآمد) بر توزیع درآمد

کشورهای منتخب OECD*

حسن ملاسمعیلی دهشیری^۱

جمشید پژویان^۲

فرهاد غفاری^۳

سید شمس الدین حسینی^۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۶

چکیده

عدالت اقتصادی و توزیع عادلانه درآمد در کنار مباحث مهمی چون رشد و توسعه اقتصادی، کاهش نرخ تورم و بیکاری، همواره مورد دغدغه غالب اقتصاددانان بوده است. توزیع عادلانه درآمد و کاهش نابرابری درآمدی در جامعه و همچنین شناسایی عوامل موثر بر نابرابری درآمدی به منظور سیاستگذاری صحیح یک امر ضروری و بدیهی است. هدف این تحقیق تحلیل اثرات سیاست مالی (با تاکید بر مالیات بر مجموع درآمد) بر توزیع درآمد کشورهای منتخب OECD می باشد. در همین راستا تأثیر مالیات بر مجموع درآمد بر ضریب جینی با استفاده از مدل رگرسیون مبتنی بر داده‌های پانلی برای ۶ کشور منتخب برای سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد شاخص تورم و شاخص بیکاری اثر منفی و شاخص مالیات بر مجموع درآمد اثر مثبت بر بهبود توزیع درآمد کشورهای منتخب دارند.

واژه‌های کلیدی: توزیع درآمد، ضریب جینی، سیاست مالی، داده‌های پانلی.

طبقه بندی JEL: H11, F13, F14, F10

* مقاله مستخرج از پایان نامه دکتری حسن ملاسمعیلی دهشیری به راهنمایی دکتر جمشید پژویان در دانشکده مدیریت و اقتصاد واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی است.

۱- گروه اقتصاد واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. hmesmaili@gmail.com

۲- گروه اقتصاد واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) j-pazhouyan@srbiau.ac.ir

۳- گروه اقتصاد واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. ghaffari@srbiau.ac.ir

۴- گروه اقتصاد واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. sh-hoseini@srbiau.ac.ir

۱- مقدمه

فقر یکی از وجوه تشابه کشورهای در حال توسعه است و معضلی است که بیشتر جوامع در ادوار مختلف با آن روبرو بوده اند، همچنین فقر عامل بسیاری از معضلات دیگر نظیر افزایش مرگ و میر، کاهش زاد و ولد، ناامنی و فساد و ... می باشد. اندازه و وسعت فقر در هر کشور تابع دو عامل است: سطح متوسط درآمد ملی، درجه نابرابری در توزیع درآمد. واضح است که در هر سطحی از درآمد ملی سرانه، هرچه توزیع درآمد ناعادلانه تر باشد میزان فقر بیشتر است (تودارو، ۱۳۸۳). توزیع نابرابر درآمد سبب افزایش فاصله و شکاف طبقاتی، کاهش انگیزه برای کار، فقر گسترده، تنش ها و درگیری های سیاسی و فساد فراگیر، می شود. در تمام کشورهای جهان درجاتی از نابرابری درآمدی وجود دارد و اختلاف بسیاری بین درآمد اقشار ثروتمند و اقشار فقیر در هر دو گروه کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه یافت می شود. اما شکاف بین قشر فقیر و غنی در کشورهای کمتر توسعه یافته معمولاً از کشورهای توسعه یافته بیشتر است. از اینجاست که لزوم تحقیق و واکاوی عوامل موثر بر نابرابری درآمدی (که منجر به فقر می شود) آشکار می گردد زیرا با تحقیق و شناسایی عوامل موثر بر نابرابری و ایجاد یک سلسله از راهکارهای سیاستی و طرح ریزی شده برای کاهش نابرابری و عملیاتی کردن سیاستها، باعث کاهش فقر شده و بسیاری از معضلات جامعه را رفع می کند. مالیاتها به عنوان یکی از ابزارهای سیاست مالی که در اختیار دولت است یکی از عوامل موثر بر توزیع درآمد می باشد. در هر نظام اقتصادی، مالیات یکی از مهمترین ارکان آن نظام محسوب می شود. گسترش و تنوع فعالیتهای اقتصادی از یک سو و نقش رو به افزایش دولتها از سوی دیگر، در جهت ایجاد و گسترش خدمات عمومی، تأمین اجتماعی و گسترش تعهدهای دولت در عرصه های اقتصادی و اجتماعی و تلاش در جهت تحقق رشد اقتصادی و توزیع عادلانه درآمد، پرداخت و دریافت مالیات را به مسأله مهم و تأثیرگذار تبدیل کرده است (فرامرزی و همکاران، ۱۳۹۴).

در این تحقیق سعی شده تا اثر سیاست مالی (مالیات بر مجموع درآمد) بر ضریب جینی به عنوان شاخص توزیع درآمد، کشورهای منتخب OECD^۱ بررسی گردد تا بتوان در جهت ارائه راهکارها و سیاستهای بهتر در جهت بهبود توزیع درآمد گام برداشت. تحقیق در مورد توزیع درآمد کشورهای منتخب و میزان تأثیرپذیری آن از مالیات بر مجموع درآمد طی دوره زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ صورت گرفته است. در همین راستا فرضیه تحقیق عبارت است از: مالیات بر درآمد تأثیر منفی و معنادار بر شاخص ضریب جینی کشورهای منتخب دارد. در ادامه بحث ابتدا مبانی نظری تشریح می شود. بعد از آن مطالعات تجربی صورت گرفته در این زمینه مورد بررسی قرار گرفته است، در بخش بعد براساس مبانی نظری و مطالعات تجربی گذشته، مدل ارائه می شود و متغیرها تعریف می شوند و نتایج حاصل از تخمین مورد بحث و بررسی قرار می گیرد و در پایان نتیجه گیری و ارائه راهکارهای سیاستی در جهت بهبود توزیع درآمد کشورهای منتخب ارائه می گردد.

^۱ کشورهای منتخب OECD مورد مطالعه عبارتند از: استرالیا، کوزا، آلمان، فرانسه، نروژ و انگلستان.

۲- مبانی نظری

۲-۱- توزیع درآمد

توزیع درآمد به این معناست که درآمد حاصل از تولید چگونه میان عوامل تولید تقسیم می‌گردد یا هر یک از بخش‌های اقتصادی چه میزان سهم می‌برند. توزیع نابرابر عوامل تولید طبعاً باعث توزیع نامناسب درآمد نیز خواهد شد. بنابراین باید قبل از تولید به منظور عادلانه کردن توزیع درآمد عوامل تولید به صورت عادلانه و برابر میان افراد و بنگاه‌های اقتصادی مختلف توزیع گردد. برخی از اقتصاددانان رفاه، توزیع برابر درآمد را با توجه به هدف حداکثر کردن رفاه اجتماعی و قانون مطلوبیت نزولی الزامی می‌دانند. اهمیت توزیع عادلانه درآمد و توزیع عادلانه فرصت‌ها و امکانات اقتصادی بر کسی پوشیده نیست؛ برای بیان توزیع درآمد شاخص‌هایی وجود دارد که یکی از مهمترین آنها شاخص ضریب جینی^۱ می‌باشد. شاخص ضریب جینی نشان‌دهنده وضعیت توزیع درآمد در اقشار مختلف جامعه است. مقدار این ضریب بین صفر و یک متغیر است و هرچه مقدار آن به صفر نزدیکتر باشد یعنی توزیع ثروت عادلانه‌تر و هرچه مقدار آن به یک نزدیکتر شود یعنی ثروت در دست اقشار ثروتمند محدود شده است و توزیع درآمد به سمت نابرابری بیشتر سوق پیدا می‌کند. براساس این معیار در طبقه بندی کشورهای براساس واقعیت‌های موجود کشورهای جینی که دارای ضریب جینی بیش از ۰/۵ باشند، کشورهای با توزیع درآمد نابرابر و کشورهای با ضریب جینی بین ۰/۴ و ۰/۵ را کشورهای با توزیع درآمد کمتر نابرابر و در نهایت کشورهای با ضریب جینی کمتر از ۰/۴ را کشورهای با توزیع درآمد خوب می‌دانند (بانک جهانی، ۲۰۱۴؛ رضاقالی زاده و آقای، ۱۳۹۴). با بررسی روند شاخص ضریب جینی در کشورهای منتخب OECD مشخص می‌شود که شاخص ضریب جینی در تمام کشورهای مورد مطالعه مقداری بین ۰/۲ و ۰/۴ دارد و بر این اساس کشورهای مورد مطالعه در دسته کشورهای با توزیع درآمد خوب قرار می‌گیرند.

۲-۲- سیاست مالی

سیاست‌های مالی به مجموعه اقدامات دولت در زمینه مخارج دولت، مالیات‌ها و پرداخت‌های انتقالی گفته می‌شود که برای رسیدن به مقاصد گوناگون به کار می‌رود. بدون شک هر اقتصادی به گونه‌ای این مجموعه ابزارها را مورد استفاده قرار می‌دهد و از این نظر، دارای سیاست مالی است. در واقع دولت از طریق مخارج و درآمدهای خود در بودجه که همان سیاست مالی است، می‌تواند مسئولیت‌های اقتصادی خود را در زمینه تخصیص، توزیع و ثبات انجام دهد. دولت‌ها می‌توانند با استفاده از ابزارهای مالی و پولی که در اختیار دارند، منحنی تقاضای اقتصاد را انتقال دهند و از این طریق به اهداف مهمی همچون رشد تولید، کاهش بیکاری، مهار تورم و تثبیت اقتصادی دست یابند (فلاحی و همکاران، ۱۳۸۸). مالیات‌ها به عنوان یکی از ابزارهای سیاست مالی می‌توانند بر بازارها، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و مهمتر از همه بر توزیع درآمد و تخصیص منابع اثر بگذارند. یکی از مهمترین پایه‌های مالیاتی، مجموع درآمد است که شاید بتوان گفت جامع‌ترین نوع مالیات،

^۱ GINI Coefficient

مالیات بر مجموع درآمد است که بر اساس تئوری های اقتصادی به طرز موثری بر توزیع درآمد تاثیر گذار است که این تاثیر گذاری و ارتباط در بخش بعدی تشریح می شود. میزان درآمد ناشی از مالیات بر درآمد در کشورهای مختلف متفاوت است. در مورد کشورهای مورد مطالعه با بررسی آماری مشخص می شود که کمینه روند درآمد ناشی از مالیات بر مجموع درآمد به صورت درصدی از GDP مربوط به فرانسه و بیشینه آن مربوط به کشور کانادا می باشد.

۲-۳- ارتباط سیاست مالی و توزیع درآمد

نابرابری درآمد از عوامل متعددی نظیر میزان درآمد افراد، پایگاه اقتصادی و اجتماعی خانوارها، سطح دانش و مهارت آنان، وضعیت و کیفیت شغل، سن، جنسیت، مکان و جغرافیای زندگی، مشارکت در عرصه های اقتصادی و اجتماعی، سطح کارآفرینی مخارج دولت و سطح سرمایه گذاری اثر می پذیرد. پس از بحران ۱۹۲۹ و ظهور دیدگاههای کینز، لزوم دخالت بیشتر دولت در اقتصاد برای تثبیت اقتصاد کلان مطرح شد. همچنین پس از جنگ جهانی دوم و ظهور گرایش علمی توسعه اقتصادی و شکل گیری نظام برنامه ریزی برای دستیابی به توسعه، دخالت دولت برای توسعه اقتصادی و زدودن فقر و ایجاد عدالت و برابری اقتصادی- اجتماعی به صورت جدی مطرح شد. پر واضح است که سیاستهای مالی دولت می تواند در کاهش نابرابری و توزیع مجدد درآمد مؤثر باشد. دولت می تواند با به کارگیری سیاستهایی باعث افزایش درآمد فقرا و تعدیل درآمد ثروتمندان شود؛ یعنی فاصله طبقاتی درآمد بین گروههای مختلف جامعه کاهش یابد که این امر مستلزم سرمایه گذاری در امور زیربنایی اقتصادی و اجتماعی و بهبود خدمات اساسی است که به صورت جامع توسط دولت پیگیری می شود (نورمحمدی و همکاران، ۱۳۹۹).

یک از مهمترین ابزارهای سیاست مالی، مالیات می باشد. اتخاذ سیاست های مالیاتی در اقتصاد می تواند کارکردها متفاوتی داشته باشد؛ از یک طرف منبع درآمد دولت و از طرف دیگر سیاستی جهت تصحیح خطای بازار است و کارکرد سوم ابزاری جهت بهبود توزیع درآمد است. ماسگریو (۱۹۵۹) بیان می کند که مالیات در اقتصاد نقش های متفاوتی را ایفا می کند؛ تثبیت، تشخیص و توزیع درآمد. تثبیت به وظیفه دولت در تحریک فعالیت های اقتصادی و مصرف اشاره دارد تخصیص به ایجاد کالاها و خدمات عمومی و توزیع درآمد از طریق انتقال درآمد از افراد ثروتمند به فقیر برای داشتن جامعه برابرتر اشاره می کند. اثر مالیات بر توزیع درآمد به نوع سیستم مالیاتی اتخاذ شده در اقتصاد از لحاظ مستقیم و غیرمستقیم بودن مالیات ها بستگی دارد. در اغلب کشورها مالیات مستقیم شامل مالیات بر مجموع درآمد اشخاص، ثروت و شرکت ها است. مالیات بر ثروت نسبت به ثروت تجمعی افراد اعمال می شود و وجه تصاعدی مالیات ها را به ویژه در گروه های درآمدی بالا افزایش می دهد، زیرا مالیات بر ثروت خالص همراه با مالیات بردرآمد موجب توزیع بهتر مالیات ها با توجه به توان پرداخت افراد می شود. علاوه بر این، مالیات بر ثروت خالص از طریق توزیع مجدد ثروت، جلوگیری از تصاعدی شدن آن و تشویق استفاده موثر از دارایی ها، می تواند بصورت ابزار مفیدی با هدف انجام اصلاحات اقتصادی و اجتماعی بکار رود. اثر مالیات بر شرکت ها بر تولید درآمد، شکل است. یعنی برای شرکت های بزرگ و کوچک، مخرب

و برای شرکت های با اندازه متوسط موجب بهبود توزیع درآمد می شود. در مقابل مالیات های غیرمستقیم اثرات مخربی بر توزیع درآمد دارد زیرا در ساده ترین شکل آن، نرخ واحد برای تمامی معاملات مشمول مالیات در نظر گرفته می شود و از آنجایی که میل نهایی افراد کم درآمد به مصرف کالاها و خدمات بیشتر از افراد پر درآمد است، سبب بدتر شدن توزیع درآمد خواهد شد. از نقطه نظر توزیع درآمد، یک راه ساده برای افزایش کارایی مالیات های غیر مستقیم، آن است که نرخ های متفاوت مالیات بر روی کالاهای مورد مصرف افراد کم درآمد و پر درآمد تعیین می شود بعنوان مثال در سیستم مالیات بر ارزش افزوده می توان نرخ مالیات کالاهایی را که بخش بزرگی از درآمد خانوارهای کم درآمد را به خود اختصاص می دهد مثل مواد غذایی را حذف یا کاهش داد و نرخ مالیات کالاهای لوکس که بیشتر توسط افراد پردرآمد مصرف می شود را افزایش داد (سیفی پور و رضایی، ۱۳۹۰).

مالیات بر مجموع درآمد اشخاص حقیقی بصورت نرخ های تصاعدی بر درآمد موثر پس از سطوح معاف شده معین اعمال می شود. در صورت نبودن فرار مالیاتی، این نوع مالیات در جهت هدف توزیع مجدد درآمد است و با اصل توان پرداخت مطابقت دارد. هیچ پایه مالیاتی مناسب تر از مالیات بر مجموع درآمد برای اجرای نرخ های تصاعدی نیست. اصولاً اجرای سیستم مالیات های تصاعدی بخصوص با نرخ های نهایی تصاعدی برای پایه مالیات بر مصرف و هزینه قابل اجرا نیست. برخی از اقتصاددانان، مالیات عمومی بر مصرف با نرخ ثابت را از دیدگاه منبع خانوارها به صورت نرخ متوسط تنازلی ارزیابی می کنند. با توجه به این که این دیدگاه یکی از مباحث بحث برانگیز طرفداران و مخالفان مالیات بر مصرف از منظر توزیع درآمد می باشد، لذا می توان پذیرفت که اصولاً مالیات های عمومی بر مصرف نمی توانند نقش مثبتی در بهبود توزیع درآمد و کاهش فقر ایفا نمایند. به همین دلیل است که مالیات های انتخابی بر مصرف برقرار می شود که بازار کالاهای لوکس را مشمول مالیات بر نرخ های بالا می کنند. از طرف دیگر، باید توجه داشت که مالیات های بر درآمد به استثنای مالیات بر مجموع درآمد که عمدتاً شامل مالیات بر حقوق و دستمزد و مالیات بر سود شرکت ها است مالیات در بازار نهاده ها تلقی شده و غالباً موجب تخصیص ناصحیح و غیرمؤثر منابع می شوند و کارایی اقتصادی را نیز به شدت تحت تاثیر قرار می دهند. این مالیات ها به کاهش بازده خالص نهاده ها منجر شده و اگر با نرخ تصاعدی برقرار شود، آثار مخرب شدیدتری خواهد داشت. آثار مالیات بر مجموع درآمد در انتخاب بین مصرف و پس انداز بروز می کند اما اثر مستقیم قابل توجهی بر نهاده های کار و سرمایه ندارد. مجموع درآمد نتیجه کلیه درآمدهای اشخاص است و از یک منابع درآمد مانند سرمایه، کار، اجاره و غیره که منعکس کننده وضعیت کلی رفاهی و درآمد اشخاص است به دست می آید. بنابراین، روشن است که اگر مالیات تصاعدی بر مجموع درآمد برقرار شود می تواند به خوبی در بهبود توزیع درآمد در یک جامعه مؤثر باشد. لازم به توضیح است که استفاده از پایه مالیات بر مجموع درآمد و برقراری نرخ های تصاعدی صرفاً برای اصلاح توزیع درآمد و کاهش فقر بکار نمی رود (پژویان، ۱۳۷۵).

ارتباط میان سیاست مالی و توزیع درآمد را میتوان با استفاده از ضریب تکاثری مخارج دولت نیز توضیح داد. فرض کنید دو گروه در جامعه وجود دارند. تابع مصرف گروه یک برای کسانی در نظر گرفته می شود که مالیات نمی پردازند ولی هزینه های مصرفی دولت جانشین مصرف برای آنان می شود و کل هزینه های دولت

نیز مشابه درآمد انتقالی برای آنان خواهد بود. در مقابل، گروه دوم مصرف کنندگان، از کسانی تشکیل می شود که کلیه مالیات را می پردازند و هزینه های دولت در تابع مصرف آنان وارد نخواهد شد. این توابع به صورت زیر نوشته می شود:

$$C_1 = a_1 + b_1(ay + G) - G_c \quad (1)$$

$$C_2 = a_2 + b_2[(1-\alpha)y - t] \quad (2)$$

$$C = C_1 + C_2 \quad (3)$$

$$T = G = G_c$$

$$A = a_1 + a_2$$

$$C = A + ay(b_1 - b_2) + G_c(b_1 - b_2) + b_2y - G \quad (4)$$

$$Y = C + I + G \quad (5)$$

$$Y = \frac{1}{1-a(b_1-b_2)-b_2} [A + G_c(b_1 - b_2) + 1] \quad (6)$$

$$\Delta Y = \frac{b_1-b_2}{1-a(b_1-b_2)-b_2} \Delta G_c \quad (7)$$

$$\text{If } b_1 = b_2 \quad \frac{\Delta Y}{\Delta G_c} = 0$$

$$\text{If } b_1 > b_2 \quad \frac{\Delta Y}{\Delta G_c} > 0$$

$$\text{If } b_1 < b_2 \quad \frac{\Delta Y}{\Delta G_c} < 0$$

این مدل نشان می دهد که اگر دولت از افراد پردرآمد که میل نهایی به مصرف پایینی دارند مالیات بگیرد و به افراد کم درآمد که میل نهایی به مصرف بالایی دارند پرداخت کند، هم به توزیع درآمد و عدالت اجتماعی کمک کرده است و هم باعث رشد شده، ولی اگر از افراد کم درآمد مالیات بگیرد و برای افراد پردرآمد هزینه کند هم توزیع نابرابر را افزایش داده و هم سرعت رشد اقتصادی را کاهش داده است (پژویان، ۱۳۸۰). از اینرو باید پایه مالیاتی در نظر گرفته شود که قابلیت دریافت مالیات های بیشتر از درآمد بالاتر وجود داشته باشد که پایه مالیاتی مجموع درآمد چنین خاصیتی را دارد و می توان نرخ های تصاعدی بر آن اعمال کرد.

۳- پیشینه تحقیق

۳-۱- مطالعات انجام گرفته در داخل

مهرآرا، محسن، ۱ صفحانی، پوریا (۱۳۹۴) در مقاله ای با عنوان "بررسی رابطه بین توزیع درآمد و ساختار مالیاتی کشورهای منتخب" با استفاده از داده های پانل ۱۹ کشور طی دوره زمانی ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۲ از سه شاخص سهم مالیات بر مجموع درآمد اشخاص، سهم مالیات بر شرکت ها و سهم مالیات بر کالاها و خدمات به

عنوان متغیر مستقل و شاخص ضریب جینی به عنوان متغیر وابسته استفاده شده است. همچنین مدلی نیز برای کشور ایران طی سال های ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۱ برآورد شده است. نتایج تخمین نشان می دهد که با افزایش سهم مالیات بر درآمد شخصی و سهم مالیات بر شرکت ها از کل درآمد های مالیاتی، ضریب جینی کاهش و توزیع درآمد بهبود خواهد یافت. با افزایش سهم مالیات بر کالاها و خدمات از کل درآمد های مالیاتی، ضریب جینی افزایش و توزیع درآمد بدتر می گردد. با افزایش مالیات بر مجموع درآمد، توزیع درآمد بهبود خواهد یافت.

رفعت میلانی و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله ای به بررسی اثر مالیات های محلی بر توزیع درآمد در کشورهای منتخب OECD پرداخته اند و نتایج تحقیق آنها نشان میدهد با افزایش مالیات بر درآمد محلی و مالیات بر دارایی محلی و سایر مالیاتهای محلی ضریب جینی کاهش می یابد در نتیجه نابرابری درآمدی کمتر می شود، همچنین با افزایش مالیات بر فروش محلی، ضریب جینی افزایش و نابرابری درآمدی بیشتر می شود. همچنین در نتیجه گیری آنها بر این موضوع تاکید می شود که نبود پلویه مالیات بر مجموع درآمد در نظام مالیاتی ایران اجرای یک سیاست کارآمد مالیاتی بر درآمد محلی را ناممکن می سازد. پایه مالیات بر مجموع درآمد امکان طبقه بندی مالیات دهندگان را بر اساس درآمد و توانایی پرداخت ممکن می سازد، یعنی نرخهای مجزای مالیات استانی می تواند استانی ثروتمند را نسبت به استانی دیگر و بالاخره استانهای فقیر مشمول مالیاتهای با نرخ متفاوت استانی نسبت به نرخ یکسان محلی نماید. به هر حال تا زمانی که سیستم مالیات بر مجموع درآمد به نظام مالیاتی ایران معرفی نشود استفاده از این پایه مالیاتی محلی عملی نخواهد بود.

پژویان و اسکندری (۱۳۹۱) در مقاله ای به بررسی اثرات انتظاری معرفی مجدد مالیات بر مجموع درآمد در اقتصاد ایران پرداختند. در پژوهش آنها وضعیت مالیاتی چند کشور منتخب از منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (مصر، اردن، مراکش، تونس و قبرس) طی دوره ۸ ساله ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۹ مورد مطالعه قرار گرفته است. نتایج مطالعات و بررسی ها نشان می دهد که در کشورهای منتخب، اعمال مالیات بر مجموع درآمد شخصی، تأثیر منفی در وضعیت توزیع درآمد ایجاد می کند.

پروین و قره باغیان (۱۳۷۵) با مقایسه ضرایب جینی و سهم طبقات مختلف از درآمد قبل و بعد از مالیات نشان می دهد که سیاست های مالیاتی در ایران تقریباً هیچگونه اثر تعدیل کنندگی بر توزیع درآمد نداشته است.

ناصری (۱۳۷۶) در تحلیل نقش مالیات در توزیع درآمد نتیجه می گیرد:

- ۱) رابطه ضریب جینی، سهم ۲۰ درصد جمعیت درآمد بالا با کل مالیات و مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم، معکوس می باشد.
- ۲) رابطه سهم ۴۰ درصد جمعیت با درآمد متوسط ۴ درصد جمعیت با درآمد پایین با مالیاتهای فوق، مستقیم (مثبت) می باشد.
- ۳) اثر مالیات مستقیم روی ضریب جینی، بیش از مالیات غیر مستقیم می باشد.
- ۴) اثر مالیات بر ثروت روی ضریب جینی بیش از اثر مالیات بر درآمد می باشد.

ابونوری (۱۳۷۶) در تحلیل "اثر شاخصهای اقتصاد کلان بر توزیع درآمد در ایران" نتیجه می‌گیرد که در ازای یک درصد افزایش در کل مالیاتهای دریافتی از هر خانوار بیش از ۰/۸۱ درصد به سطح نابرابری در سال بعد اضافه می‌شود و به طور کلی، نظام مالیاتی به جای کلید نابرابری اقتصادی، در جهت افزایش آن عمل نموده است. خطیب زاده (۱۳۷۷) به بررسی اثر مالیات بردرآمد بر توزیع درآمد با تاکید بر سهم نیروی کار برای سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۷۵ می‌پردازد و نتیجه می‌گیرد که با افزایش مالیات بردرآمد واقعی، شکاف درآمدی کاهش می‌یابد. کمیجانی و فهیم یحیایی (۱۳۷۰) در تحلیلی بر ترکیب مالیاتها و برآورد ظرفیت مالیاتی ایران نشان می‌دهند که روند ترکیب مالیاتها و وصول آن برحسب مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم طی سالهای ۱۳۵۰ تا ۱۳۶۸ جهت دار عمل نکرده است.

صدفردی (۱۳۸۶) تاثیر شاخص های کلان بر توزیع درآمد در ایران برای سال های (۱۳۵۳-۱۳۸۶) را مورد بررسی قرار داده و مشاهده نمودند که سهم مجموع مالیات بر درآمد بر کل درآمد مالیاتی اثر مثبت بر برابری درآمدی ایفا می‌کند. رضا قلی زاده و آقایی (۱۳۹۴) در مطالعه ای در مورد کشور ایران طی دوره زمانی ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۱ به روش ARDL به این نتیجه رسیدند که مالیات بر درآمد اشخاص باعث بهبود توزیع درآمد و کاهش نابرابری دهک های مختلف درآمدی شده است.

۳-۲- مطالعات انجام گرفته در خارج

پالم^۱ (۱۹۹۶) در مطالعه خود تحت عنوان اثر اصلاحات مالیاتی بر روی توزیع درآمد، تاثیر اصلاحات مالیاتی سوئد در سال ۱۹۹۱ را روی ضرایب جیبی بررسی نمود. او با بررسی دو مقطع قبل و بعد از اصلاحات مالیاتی، به این نتیجه رسیده است که اصلاحات مالیاتی منجر به متعادل تر شدن توزیع درآمد می‌شود.

اریک برگ و راستو^۲ (۲۰۰۱) در مقاله ای اهمیت ساختار مالیات بر توزیع درآمد را مورد بررسی قرار می‌دهند آنان دریک مطالعه اقتصادی ساختار مالیات در یک دولت محلی در نروژ را مورد بررسی قرار دادند و اثر توزیعی مالیات بر مصرف و مالیات بر ثروت را بررسی کردند. نتایج مطالعه آنها نشان داد با وجودی که مالیات بر مصرف و مالیات بر ثروت را بررسی کردند. نتایج مطالعه آنها نشان داد با وجودی که مالیات بر مصرف حجم زیادی از مالیات را شامل می‌شود ولی مالیات بر ثروت اثر توزیعی بیشتری دارد.

توزیع مجدد و سیاست مالی تحقیقی از رامیرز^۳ (۲۰۰۲) است که به بررسی رفتار مطلوب یک دولت جهت استفاده از سیاست های مالی برای توزیع مجدد درآمد می‌پردازد در این مقاله با استفاده از یک مدل تعادل عمومی پویای تصادفی از یک طرف تفاوت های اثر اختلالات دائمی و غیر دائمی بهینه مالیات و از طرف دیگر رابطه بین نابرابری اولیه و وضع مالیات بر توزیع درآمد مورد بررسی قرار می‌گیرد و نتایج آن نشان می‌دهد که میزان نابرابری اولیه تاثیر زیادی روی اثر وضع مالیات بر توزیع درآمد می‌گذارد و همچنین نرخ مالیات در

¹ Palm(1996)

² Erik Borge,Lars and Jorn Rattso (2001)

³ Ramirez (2002)

نابرابری توزیع درآمد تاثیر می گذارد. ادواردوانگل در مطالعه ای به بررسی اثر مستقیم مالیات ها و تغییر در ساختار مالیاتها بر روی توزیع درآمد در کشور شیلی می پردازد. نتایج مطالعه حاضر نشان می دهد که مالیات ها تاثیر چندانی بر روی توزیع درآمد نداشته است (ضریب جینی قبل از مالیات ۰/۴۸ و بعد از مالیات ۰/۴۹ است). به علاوه تعدیل بنیادی در مالیات ها از قبیل افزایش مالیات بر ارزش افزوده از ۰/۱۸ به ۰/۲۵ همچنین تغییر مالیات تصاعدی درآمد به مالیات یکجای ۰/۲۰ تغییر بسیار اندکی بر روی توزیع درآمد گذاشته است.

کیانگ چو و همکارانش^۱ (۲۰۰۰) به بررسی وضعیت توزیع درآمد کشورهای در حال توسعه طی دهه های اخیر، قبل و بعد از مالیات می پردازند و نشان می دهند ضریب جینی بعد از اعمال مالیات، به طور متوسط از ضریب جینی قبل از مالیات کمتر است. این بهبود توزیع در کشورهای صنعتی بیشتر از کشورهای در حال توسعه است و این به دلیل ساختار مالیاتی این کشورهاست. والر^۲ (۲۰۰۷) با استفاده از داده های مقطعی برای ۲۱ کشور طی بازه زمانی ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۲ دریافتند که مالیات تصاعدی روی درآمد می تواند موجب توزیع عادلانه تر درآمد، درآمد بالاتر، نوسانات اقتصادی و مالی کمتر و رشد سریعتر شود.

دانکن و سایرینوا پتر^۳ (۲۰۰۸) به این نتیجه رسیدند در حالی که تصاعدی بودن ساختاری سیستمهای مالیات بر درآمد ملی منجر به کاهش نابرابری مشاهده شده در درآمد خالص و ناخالص می شود، این ساختار اثر کوچکتری روی نابرابری واقعی اندازه گیری شده به وسیله معیارهای ضریب جینی مبتنی بر مصرف دارد.

گورنیا^۴ (۲۰۱۲) روندهای نابرابری و تعیین کننده های آن را با استفاده از داده های برخی کشورهای آمریکای لاتین طی دوره ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰ بررسی نمودند و به این نتیجه رسیدند که نسبت مالیات مستقیم به غیرمستقیم اثر منفی و معناداری روی نابرابری درآمدی دارد.

ابارتین و همکاران^۵ (۲۰۱۷) در مطالعه ای نشان دادند کل درآمد مالیاتی، درآمد مالیاتهای مستقیم و همچنین درآمد مالیاتهای غیرمستقیم اثر معناداری بر نابرابری درآمدی در نیجریه طی دوره ۱۹۸۱ تا ۲۰۱۴ ندارند.

۴- ارائه مدل

در این مطالعه به منظور بررسی اثر مالیات بر مجموع درآمد بر توزیع درآمد کشورهای منتخب از الگوی داده‌های پانلی^۶ استفاده می‌شود. چرا که با توجه به محدودیت‌های موجود در استفاده از مدل‌های سری زمانی در دوره‌های کوتاه مدت همچون محدودیت‌های آماری و همچنین تلفیق مقاطع و کشورهای مختلف، استفاده از روش داده‌های پانلی روشی مفید برای تلفیق داده‌ها در مقاطع و گروه‌های مختلف محسوب می‌شود. صورت کلی مدل داده‌های پانلی به صورت زیر است:

$$Y_{it} = \alpha + \beta_{it} X_{it} + U_{it}$$

¹ Kiang choo (2000)

² Weller(2007)

³ Duncan and Sabirianova(2008)

⁴ Gornia (2012)

⁵ Obaretin et al (2017)

⁶ Panel Data

که در آن $i = 1, 2, \dots, N$ نشان دهنده واحدهای مقطعی (مثلاً کشورها) و $t = 1, 2, \dots, T$ به زمان اشاره دارد. Y_{it} متغیر وابسته برای آمین واحد مقطعی در سال t و X_{it} نیز متغیر مستقل غیر تصادفی برای آمین واحد مقطعی در سال t و U_{it} جز اخلاص الگو است که نماینده متغیرهایی است که مستقیماً در الگو وارد نشده اند. می توان گفت: $U_{it} = \mu_i + \lambda_t + \varepsilon_{it}$ ، که در این معادله ε_{it} جزء اخلاص دارای توزیع نرمال با میانگین صفر و واریانس σ^2 است. μ_i بیانگر تفاوت های موجود بین مقاطع بوده و ثابت یا تصادفی بودن توزیع آن منجر به تعیین شکل الگو به ترتیب در قالب اثرات ثابت یا تصادفی می گردد. λ_t نیز نشان دهنده وجود اثرات زمانی در الگو می باشد که منطبق با آن دو حالت یک طرفه ($\lambda_t = 0$) و دو طرفه ($\lambda_t \neq 0$) برای الگو تحقق می یابد (سامتی و همکاران، ۲۰۱۱). مزایای استفاده از داده های پانلی نسبت به داده های مقطعی و سری زمانی این است که در این روش وجود ناهمسانی واریانس محدود می شود، تورش به حداقل می رسد، همخطی میان متغیرها کمتر می گردد، از طرفی در چنین حالتی داده ها به منظور مطالعه پویای تغییرات، مناسب تر هستند و با این داده ها می توان مدل های رفتاری پیچیده تری را مطالعه نمود.

با توجه به نظریات و تئوری های موجود اقتصادی و مطالعات انجام شده نظیر پژویان و اسکندری (۱۳۹۱)، توزیع درآمد را تابعی از تورم، رشد جمعیت، نرخ بیکاری و مالیات بر مجموع درآمد در نظر گرفته و الگوی اقتصادسنجی تحقیق به صورت زیر ارائه می شود:

$$Gini = f(Inf, Gp, Une, Itax)$$

$$Gini_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 Inf_{it} + \alpha_2 Gp_{it} + \alpha_3 Une_{it} + \alpha_4 Itax_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در الگوی بالا Inf نشان دهنده تورم، Gp و Une به ترتیب بیانگر رشد جمعیت و نرخ بیکاری می باشد و $Itax$ نیز میزان درآمد ناشی از مالیات بر مجموع درآمد به صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی را نشان می دهد. ε_{it} بیانگر جزء خطا می باشد. i نشان دهنده مقاطع یا کشورها است و t زمان را نشان می دهد. برای برآورد الگوی معرفی شده تحقیق، داده ها برای کشورهای منتخب OECD طی ۱۶ سال از ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ جمع آوری شده است. ماخذ داده های آماری (WDI(2016) می باشد.

۴-۱- نتایج برآورد الگو و تفسیر نتایج

۴-۱-۱- آزمون ریشه واحد پانلی^۱

پیش از برآورد تأثیر متغیرهای مورد نظر بر توزیع درآمد لازم است مانایی تمام متغیرهای مورد استفاده در تخمین ها آزمون گردد. زیرا نامانایی متغیرها چه در مورد سری زمانی و چه داده های پانلی باعث بروز مشکل رگرسیون کاذب می شود. اما برخلاف آن چه در مورد داده های سری زمانی مرسوم است، در مورد داده های پانلی نمی توان برای آزمون مانایی از آزمون های دیکی فولر و دیکی فولر تعمیم یافته (ADF) بهره جست، بلکه لازم

^۱Panel Unit Root Test

است به نحوی مانایی جمعی متغیرها مورد آزمون قرار گیرد. برای این منظور از آزمون لوین، لین و چو (LLC) مختص داده‌های پانلی استفاده می‌شود که نتایج آن برای کلیه متغیرهای مدل در جدول (۱) آمده است. فرضیه صفر آزمون LLC بیانگر نامانایی متغیرهاست. لذا چنان چه مقدار آماره محاسبه شده بزرگ تر از مقدار مربوط به سطح اطمینان رایج باشد، فرضیه صفر مبتنی بر نامانایی رد خواهد شد.

جدول ۲. نتایج آزمون ریشه واحد لوین لین چو (LLC)

متغیر	آماره	احتمال
GINI	-۱/۳۸۹	۰/۰۸۲
INF	-۲/۴۸۶	۰/۰۰۶
GP	-۵/۷۰۹	۰/۰۰۰
UNE	-۲/۱۶۷	۰/۰۱۵
ITX	-۱/۴۴۶	۰/۰۷۴

مأخذ: یافته‌های پژوهشگر

نتایج جدول (۱) و بررسی مقادیر آماره‌های محاسبه شده و احتمال پذیرش آن‌ها نشان می‌دهد که فرضیه صفر مبنی بر نامانایی متغیرها رد می‌شود، یعنی کلیه متغیرهای مدل مانا هستند. با حصول اطمینان از پایایی متغیرها دیگر نیازی به انجام آزمون همجمعی و هراس از کاذب بودن رگرسیون وجود نداشته و می‌توان به انجام برآورد مدل پرداخت.

۴-۱-۲- برآورد ضرائب

آزمون F لیمر^۱

قبل از برآورد ضرائب، برای انتخاب بین روش داده‌های پانلی و داده‌های تلفیقی از آزمون F لیمر استفاده شده است. فرضیه صفر این آزمون بیانگر انتخاب روش داده‌های تلفیقی و اولویت آن نسبت به داده‌های پانلی است. با توجه به مقدار F گزارش شده در جدول (۲) فرضیه صفر رد می‌شود، بنابراین می‌توان جهت برآورد الگو از روش داده‌های پانلی استفاده کرد.

جدول شماره ۳. نتیجه آزمون F لیمر

نتیجه	احتمال	آماره F لیمر
رد فرضیه صفر، برازش الگو به روش داده های پانلی	۰/۰۰۰	۵۴/۷۴

مأخذ: یافته‌های پژوهشگر

^۱ F Limer Test

آزمون هاسمن^۱

برای تعیین روش تخمین از آزمون هاسمن استفاده می شود که فرضیه صفر آن دال بر تأیید وجود اثرات تصادفی در مدل است. با توجه به نتایج آزمون هاسمن در جدول (۳)، فرضیه صفر رد می شود، بنابراین لازم است که الگو در قالب اثرات ثابت برآورد شود. نتایج حاصل از تخمین الگوها در جدول (۴) آمده است.

جدول شماره ۴. نتیجه آزمون هاسمن برای الگو

آماره هاسمن	احتمال	نتیجه
۸۹۲/۹۴	۰/۰۰۰	رد فرضیه صفر و انتخاب برازش الگو براساس اثرات ثابت

مأخذ: یافته‌های پژوهشگر

۳-۱-۴ - تحلیل نتایج

با توجه به نتایج مندرج در جدول (۴) متغیر مالیات بر مجموع درآمد با ضریب $-۰/۰۱۵$ تأثیر منفی و معنادار بر متغیر وابسته که ضریب جینی می باشد، دارد، یعنی با افزایش مالیات بر مجموع درآمد، ضریب جینی کاهش و در نتیجه توزیع درآمد بهبود می یابد. این نتیجه همسو با مبانی نظری و مطالعات تجربی پیشین نظیر کیانگ چو و همکاران (۲۰۰۰) می باشد.

جدول شماره ۴. نتایج برازش الگو به روش اثرات ثابت

متغیرهای توضیحی	ضریب	آماره t	احتمال
INF	۰/۰۰۱	۰/۲۹	۰/۷۷۲
GP	$-۰/۱۴۷$	$-۷/۴۹$	۰/۰۰۰
ITX	$-۰/۰۱۵$	$-۱/۶۹$	۰/۰۹۵
UNE	۰/۰۱۰	۱/۸۹	۰/۰۸۱
C	۳/۵۹	۴۱/۰۰	۰/۰۰۰
R^2		۰/۴۵	
F		۱۴/۶۹ (۰/۰۰۰)	

مأخذ: یافته‌های پژوهشگر

اعداد داخل پرانتز احتمال را نشان می دهد.

^۱ Hausman Test

همانطور که قبلاً عنوان شد سیاست های مالی دولت خصوصاً مالیاتها قطعاً می تواند در کاهش نابرابری و توزیع مجدد درآمد موثر باشد. دولت با اعمال مالیات بر مجموع درآمد خصوصاً در صورتی که با نرخ تصاعدی اعمال گردد می تواند توزیع درآمد را از طریق انتقال درآمد از افراد ثروتمند به فقیر برای داشتن جامعه برابرتر عملیاتی کند. اثر مالیات بر توزیع درآمد به نوع سیستم مالیاتی اتخاذ شده در اقتصاد از لحاظ مستقیم و غیرمستقیم بودن مالیات ها بستگی دارد. در صورت نبودن فرار مالیاتی، مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی بصورت نرخ های تصاعدی، در جهت هدف توزیع مجدد درآمد است و با اصل توان پرداخت مطابقت دارد.

شاخص تورم (INF) با ضریب ۰/۰۰۱ تأثیر مثبت و بی معنا بر توزیع درآمد دارد. افزایش قیمتها در صورتی که همراه با افزایش متنا سبب د ستمزد نباشد، باعث کاهش قدرت خرید و کاهش درآمد و د ستمزد واقعی می شود و این مهم بر قشر ضعیف جامعه تأثیر منفی بیشتری می گذارد. شاخص بیکاری (UNE) نیز با ضریب ۰/۰۱ تأثیر مثبت و معنادار بر ضریب جینی دارد. طبیعی است که افزایش بیکاری عدم توزیع عادلانه درآمد را تشدید کرده و ضریب جینی را افزایش می دهد این نتیجه منطبق بر تمام مطالعات پیشین و مبانی نظری می باشد. شاخص رشد جمعیت با ضریب ۰/۱۴۷- اثر منفی و معنادار بر ضریب جینی دارد یعنی با افزایش جمعیت در کشورهای OECD نابرابری درآمدی کاهش می یابد.

۵- نتیجه گیری و توصیه های سیاستی

مالیات به عنوان ابزار سیاست مالی که در اختیار دولتها می باشد نقش موثر و بسزایی در پیشبرد اهداف دولتها بازی می کند. نقش نظام مالیاتی کشورها در رسیدن به اهداف اجتماعی و اقتصادی بسیار پر رنگ است. یکی از مهمترین اهداف نظام مالیاتی بهبود توزیع درآمد است. در این مطالعه اثر سیاست مالی (مالیات بر مجموع درآمد) بر ضریب جینی به عنوان معیار توزیع درآمد در کشورهای منتخب OECD طی دوره زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ به روش داده های پانلی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان دهنده اثر منفی و معنادار مالیات بر مجموع درآمد بر ضریب جینی بود. بدین معنا که افزایش مالیات بر مجموع درآمد اشخاص باعث کاهش شاخص ضریب جینی و در حقیقت کاهش نابرابری درآمدی می شود. با توجه به اینکه مالیات بر مصرف و هزینه قابلیت اعمال نرخ های متنوع و تصاعدی ندارند نمی توان برای سیاست توزیعی بر آنها تأکید داشت در حالیکه قابلیت اعمال نرخ های تصاعدی بر مالیات بر مجموع درآمد وجود دارد و از این حیث اعمال مالیات بر مجموع درآمد به بهبود توزیع درآمد کمک قابل توجهی می کند. در همین راستا توصیه می شود ضمن شناسایی پایه های مالیاتی که توزیع نابرابر درآمد را تشدید می کند حتی الامکان پایه مالیاتی درآمد اشخاص تقویت شده و جایگزین پایه های مالیاتی ناکارآمد گردد.

فهرست منابع

- ۱) ابونوری، اسماعیل (۱۳۷۶). اثر شاخصهای کلان بر توزیع درآمد در ایران، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۵۱.
- ۲) پروین، سهیلا و قره باغیان، مرتضی (۱۳۷۵). آثار توزیعی مالیات در ایران، مجله اقتصاد دانشکده اقتصاد شهید بهشتی، شماره ۱۵.
- ۳) پژویان، جمشید و درویشی، باقر (۱۳۸۹). اصلاحات ساختاری در نظام مالیاتی ایران، پژوهشنامه مالیات، شماره ۸، ۴۸-۹.
- ۴) پژویان، جمشید (۱۳۸۵). منابع گسترش پایه های مالیاتی در اقتصاد ایران، مجموعه مقالات همایش اقتصاد ایران در گام نهم با تاکید بر اقشار کم درآمد و مناطق محروم، وزارت امور اقتصاد و دارایی.
- ۵) پژویان، جمشید و اسکندری، مارال (۱۳۹۱). اثرات انتظاری معرفی مجدد مالیات بر مجموع درآمد در اقتصاد ایران، پژوهشنامه مالیات، شماره ۱۴، ۵۹-۳۱.
- ۶) تودارو، مایکل، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، چاپ هفدهم، تهران: انتشارات کوهسار، ۱۳۸۳.
- ۷) رضاقلی زاده، مهدیه و آقای، مجید (۱۳۹۴). بررسی تاثیر مالیات های مستقیم بر توزیع درآمد در ایران، مجلس راهبرد، شماره ۸۴، ۱۵۶-۱۲۹.
- ۸) رفعت میلانی، مژگان؛ پژویان، جمشید؛ حسینی، سید شمس الدین و غفاری، فرهاد (۱۳۹۹). بررسی تاثیر مالیات محلی بر توزیع درآمد در کشورهای منتخب OECD و ارائه راهکارهایی جهت پیاده سازی مالیاتهای محلی در اقتصاد ایران، فصلنامه اقتصاد مالی، شماره ۵۳، ۴۳-۲۱.
- ۹) سیفی پور، رویا و رضایی، محمد قاسم (۱۳۹۰). بررسی عوامل مؤثر بر توزیع درآمد در اقتصاد ایران با تاکید بر مالیات ها، پژوهشنامه مالیات، شماره ۱۰، ۱۴۲-۱۲۱.
- ۱۰) فرامرز، ایوب؛ دشتیان فاروجی، مجید؛ حکیمی پور، نادر؛ علیپور، صادق و جباری، امیر (۱۳۹۴). بررسی رابطه مالیات و رشد اقتصادی، مطالعه موردی ایران و کشورهای عضو اوپک و سازمان همکاریهای اقتصادی (OPEC) و (OECD) فصلنامه اقتصاد مالی، سال ۹، شماره ۱۳.
- ۱۱) فلاحتی، علی؛ الماسی، مجتبی و آقای، فاطمه (۱۳۸۸). تاثیر سیاستهای مالی بر توزیع درآمد و رشد اقتصادی طی سالهای ۱۳۵۲-۱۳۸۴، جستارهای اقتصادی، شماره ۱۱، ۱۳۱-۱۰۹.
- ۱۲) کیانگ چو؛ داوودی، حمید و سانجیوگوپتا (۱۳۸۱). ترجمه محسن کلانتری: فصلنامه پژوهشها و سیاستهای اقتصادی، شماره ۲۳.
- ۱۳) کمپجانی، اکبر و فهیم یحیایی، فریبا (۱۳۷۰). برآورد ظرفیت مالیاتی کشور، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.
- ۱۴) خطیب زاده، مریم (۱۳۷۷). اثر مالیات بر درآمد بر توزیع درآمد در ایران، دانشکده امور اقتصادی و دارایی.
- ۱۵) مهرآرا، محسن و اصفهانی، پوریا (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین توزیع درآمد و ساختار مالیاتی کشورهای منتخب، پژوهشنامه مالیات، شماره بیست و هشتم، (مسلول ۷۶).

- ۱۶) ناصری گلعداری، رسول (۱۳۷۴). نقش مالیات در توزیع درآمد، مطالعه تجربی در خصوص ایران ۷۰-۱۳۵۰، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران.
- ۱۷) نور محمدی، خسرو؛ عرب مازار، عباس؛ مهرگان، نادر و پرتویی، بامداد (۱۳۹۹). تحلیل اثرگذاری مخارج دولت بر نابرابری درآمدی در استان های کشور (روش GMM)، فصلنامه اقتصاد مالی، شماره ۵۳، ۱۹-۱.
- 18) Duncan, D., & Sabirianova Peter, K. (2008). Tax Progressivity and Income Inequality, Andrew Young School of Policy Studies
- 19) Erik Borge, Lars and Jorn Rattso (2001), "Income Distribution and tax structure: Microeconomic Test of the Meltzer – Richard Hypothesis", CES Working paper, Number 543.
- 20) Gornia, G. A. (2012). Inequality Trends and their Determinants. World Institute for Development Economics Research Working Paper No. 2012/09.
- 21) Musgrave, Richard (1959), "The Theory of Public Finance", Mc Grow Hill, Newyork.
- 22) Obaretin, O., Akhor, S. O., & Oseghale, O. E. (2017). Taxation an Effective Tool for Income Redistribution in Nigeria. Mediterranean Journal of Social Sciences, 8(4), 187-196.
- 23) Palm, Marten (1996), "Income Distribution Effects the Swedish 1991 Tax Refor", Journal of policy Modeling 18.4. 419-43.
- 24) Ramirez, Juan f Rubio (2002), "Redistribution and Fiscal policy", Federal reserve Bank of Atlanta, working paper.
- 25) Right, Randle (1995), "taxes redistribution and growth", department of economics, university of pennsylvania, Philadelphia.
- 26) Weller, C. E. (2007). The Benefits of Progressive Taxation in Economic Development. Review of Radical Political Economy, 39, 368-376.
- 27) World Bank (2014). "Inequality in Focus, Analyzing the World Bank's Goal of Achieving Shared Prosperity", www.worldbank.org.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Abstract

Analyzing the Impact of Financial Policy (Total Income Tax)
on Income Distribution in Selected OECD Countries*

Hassan Mollaesmaeili Dehshiri¹

Jamshid Pajouyan²

Farhad Ghaffari³

Shamseddin Hosseini⁴

Received: 06/ January /2021 Accepted: 08/ March /2021

Abstract

Economic justice and equitable distribution of income, along with important issues such as economic growth and development, the reduction of inflation and unemployment, have always been of concern to economists. Fair distribution of income and reduction of income inequality in society, and the identification of factors affecting income inequality to make the right policy are necessary and obvious. The purpose of this paper is to examine the impact of financial policy (total income tax) on income distribution (GINI CO) in OECD countries. In this regard, panel data approach has been used to investigate the impact of total income tax on gini CO for 6 selected OECD countries from 2000 to 2015. The results show that an increase in inflation index and unemployment index leads to a increase in income inequality and that an increase in income tax revenues leads to a reduction in income inequality.

Keywords: Income Distribution, Gini Coefficient, Financial Policy, Panel Data.

JEL Classification: H11, F13, F14, F10

* The article is from the first author ' s Ph.D. thesis under the guidance of the second author .

1 Department of Management and Economics, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran; hmesmaili@gmail.com

2 Department of Management and Economics, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran; j -pazhouyan@srbiau.ac.ir (Corresponding Author)

3 Department of Management and Economic s, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran; ghaffari@srbiau.ac.ir

4 Department of Management and Economic s, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran; sh -hoseini@srbiau.ac.ir